

دریانگری در تاریخ‌نگاری ایرانی

به مناسبت انتشار پنجاهمین شماره رشد آموزش تاریخ

دیلمیان و سپس سلجوقیان، نیز کوشیدند علاوه بر قلمرو خلافت، دریاهای پیرامون آن را نیز در اختیار بگیرند.

دولت ایلخانان که با انهدام خلافت در ایران زمین مستقر شد، کوشید مدیترانه و تجارت اقیانوس هند را در اختیار داشته باشد. در اصل هم یکی از اهداف امپراتوری مغول از تأسیس دولت ایلخانان همین امر بود. این در حالی است که مغولان وسیع‌ترین امپراتوری ارضی شناخته شده جهان را داشته‌اند. این سوارکاران دشت‌های گسترده آسیا، علاوه بر گسترش تجارت دریایی میان چین و ایران، کوشیدند سواحل مدیترانه را نیز در حیطه اقتدار خود درآورند. پس از آنان، صفویان نیز آن هنگام به اوج اقتدار خود رسیدند که بر دریاهای جنوبی ایران نیز حاکمیت یافتند.

برای تاریخ دیگر کشورها نیز می‌توان از این نوع مثال‌ها و شواهد عرضه کرد. در این مورد لازم نیست که لزوماً یک کشور به صورت جزیره یا مجمع‌الجزایر باشد یا معیشت اکثریت مردم آن از صید ماهی تأمین شود، بلکه در قدم اول رسیدن به دریا به معنای رسیدن به مرزهای امن، دائمی و مطمئن است. چنان‌که در تاریخ ایران نیز چنین بوده است و به‌خصوص مرزهای دریایی جنوب ایران چنین کارکردی داشته‌اند. در تاریخ ایالات متحده آمریکا توسعه آن کشور به طرف غرب که موجب رسیدن به اقیانوس آرام شد، نقشی اساسی در امنیت داخلی و خارجی آن در قبال سرخ‌پوستان، مکزیک و دول استعمارگر اروپایی داشته است. امپراتوری روسیه تزاری نیز طی چندین قرن توسعه ارضی، رسیدن به دریاهای آزاد را مدنظر داشت. حتی کشور کوچک و جزیره‌ای بریتانیا، آن هنگام که پس از جنگ‌های صدساله اواخر قرون وسطا از «نرماندی» در خاک فرانسه دست کشید، توانست در جهت وحدت داخلی و امنیت خارجی خود گام‌های محکمی بردارد. همین کشور بعدها پیش قدم تحولی بسیار تأثیرگذار شد و آن اینکه دریا را نیز به مثابه خاک کشور دانست. بدین معنی که هر اندازه از دریا را که می‌توانست حفاظت و بهره‌برداری کند، چونان خاک کشور جزو قلمرو خویش به‌شمار آورد.

بدین ترتیب در آستانه قرون جدید و در حالی که «اکتشافات جغرافیایی» عرصه‌های نوینی از ثروت و قدرت را در برابر اروپاییان قرار داده بود، نگرش به دریا به گونه‌ای که گویا قسمتی از قلمرو است، فتح باب تازه‌ای را در شکل‌گیری دولت مدرن موجب شد. چنان‌که با چنین زمینه نظری، «قانون دریانوردی کرامول» که ورود و خروج کشتی‌ها به آب‌های انگلستان را به صورت قانونی انحصاری درمی‌آورد، امکان تحقق یافت. بعدها نیز انحصارات اقتصادی عصر استعمار در ممالک مستعمره تا حدود زیادی متأثر از همین طرز

برای ما عادت شده است که در نگاه به قلمرو هر کشور فقط به «خاک» آن توجه کنیم. این در حالی است که در سراسر تاریخ ملت‌ها، به‌خصوص در چند قرن اخیر، «دریا» نقشی کمتر از خاک نداشته است. در واقع «سرزمین» برای کشورها و ملت‌ها در دنیای کنونی مشتمل بر «خاک و آب» (دریا) است و به همین جهت است که اصطلاح «آب‌های سرزمینی» را در روابط بین‌الملل به کار می‌برند. کسانی که حسب عادت به تاریخ می‌نگرند، رد تاریخ را در سده‌های متوالی حاکمیت‌های مبتنی بر زمین‌داری و متکی به کشاورزی یا دام‌داری، اعم از ساکن و کوچ‌رو، از دنبال کردن سم اسبان (بر زمین) پی می‌گیرند.

در نگاهی دقیق به تاریخ دولت‌های بزرگ می‌توان دریافت که حتی در اعصار حاکمیت نظامیان سوارکار نژاده زمین‌دار نیز دریا نقش بسیار مهمی داشته است. چنان‌که در تاریخ ایران، دولت مقتدر هخامنشیان تا آن اندازه قلمرو خود را توسعه داد که به هفت دریای شناخته شده آن روزگار در حد فاصل هند تا مدیترانه رسید. اشکانیان و ساسانیان در مقیاسی کوچک‌تر از این قرار گرفتند، اما مدام می‌کوشیدند به سواحل مدیترانه برسند. دولت خلافت اسلامی نیز در اوج اقتدار خود به همان وسعت دریایی هخامنشیان دست یافت. حتی دولت‌هایی که بعدها از دل آن بیرون آمدند، مانند



تلقی جدید از دریا بود؛ زیرا درک شرایط جدیدی که دریاها در عصر استعمار یافته بودند، مستلزم اعمال حاکمیت مؤثرتر، مستقیم‌تر و وسیع‌تری بر مرزهای آبی پیرامون سرزمین بود. این امر نیز پیش از آنکه مستلزم اقداماتی در خشکی باشد، منوط به توسعه قدرت دریایی، یعنی اقدام در عرصه آب‌ها بود. بدین جهت، توسعه قدرت دریایی فقط دریا را هدف خود قرار نداده بود بلکه تثبیت و تحکیم امنیت و ثبات ملی در خشکی (قلمرو سرزمینی) را در اولویت وظایف خود می‌گنجانید. این خود نوعی نگاه جدید به سرزمین از منظر موقعیت جدیدی بود که دریاها یافته بودند.

متأسفانه برای تاریخ کشور ما درک این تحول در دوره قرون جدید و حتی قرن نوزدهم بسیار با تأخیر و به صورت ناقص صورت گرفت و خسارات بسیاری را موجب شد. در آن روزگاران فقط دولت مستعجل نادرشاه افشار بدین مهم توجه نشان داد. این امر نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری ایرانی، حتی برای نگارش تاریخ اراضی ایران آن‌چنان که از نگاه سنتی اندکی فاصله بگیرد، نیازمند «دریانگری» بوده است.

دریانگری به معنای ملاحظه پدیده دریا در هر تحولی است که بتواند نقش دریا را در تعریف و تبیین موقعیت سرزمینی نشان دهد. این نقش و تأثیر می‌تواند دو جنبه سلب و ایجاب یا نفی و اثبات را در برگیرد. شاهد مثال بسیار مشهور آن، پیروزی ایرانیان در هرات (۱۸۵۶م) و اجبار به صرف‌نظر کردن از این پیروزی زمینی در پی فشار از سمت دریا در خلیج فارس (اشغال بوشهر در سال ۱۸۵۶م) توسط نیروی دریای هند بریتانیاست. برای آنکه دایره چنین وقایعی بهتر ملاحظه شود، می‌توان موارد متعدد اعمال فشار نظامی از سمت دریا را در مسائل دیپلماتیک عصر قاجار دید. چنان‌که در جنگ جهانی اول، اشغال بوشهر (۱۹۱۵م) به‌منظور مجبور ساختن دولت ایران به همراهی با متفقین صورت گرفت. البته این پدیده خاص تاریخ ایران نیست و همگان می‌دانند که سیاست قایق‌های توپ‌دار، چگونه استعمارگران دارای قدرت دریایی را در موقعیتی برتر نسبت به ملل مشرق زمین قرار داده بود، اما در مورد ایران باید به این نکته توجه داشت که حتی تاریخ ارضی نیز مستلزم نگاهی اعم از سلبی و ایجابی به امر دریاست. ایران سرزمین وسیعی است و ورود یک نیروی نظامی از سمت دریاهای جنوب یا شمال به داخل آن، با توجه به رشته‌کوه‌ها و ارتفاع فلات مرکزی بسیار مشکل و به سهولت هم قابل ممانعت است، اما با اشغال چند بندر زمینه‌های تسلیم مهیا می‌شد. این نشان می‌دهد که حفظ خاک مستلزم حراست از دریا بوده است و از این منظر، لازم است مورخ در تاریخ‌نگاری چنین رویدادهایی، بود و نبود قدرت دریایی را به‌طور کامل در حیطه پژوهش خویش وارد کند؛ امری که در این نوشته با عبارت «دریانگری» به آن اشاره شده است و می‌تواند برای دیگر اعصار و ادوار تاریخ هم به‌کار گرفته شود.

در نگارش تاریخ ایران، دریانگری را نباید فقط از بعد مسائل سیاسی و نظامی ملاحظه کرد، بلکه در تجارت و به‌طور کلی تاریخ اقتصادی و حتی تاریخ اجتماعی نیز باید آن را پی‌گیری گرفت. در صورت لزوم حتی جنبه معکوس این امر را (دریانگری) نیز در تحولات نواحی ساحلی می‌توان مدنظر قرار داد. دولت‌های دریانورد محلی «بنی قیصر» (کیش) و

در نگارش تاریخ ایران، دریانگری را

نباید فقط از بعد مسائل سیاسی و

نظامی ملاحظه کرد، بلکه در تجارت

و به‌طور کلی تاریخ اقتصادی و حتی

تاریخ اجتماعی نیز باید آن را پی

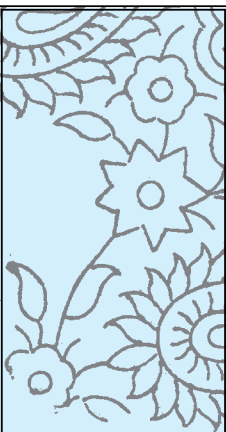
گرفت. در صورت لزوم حتی جنبه

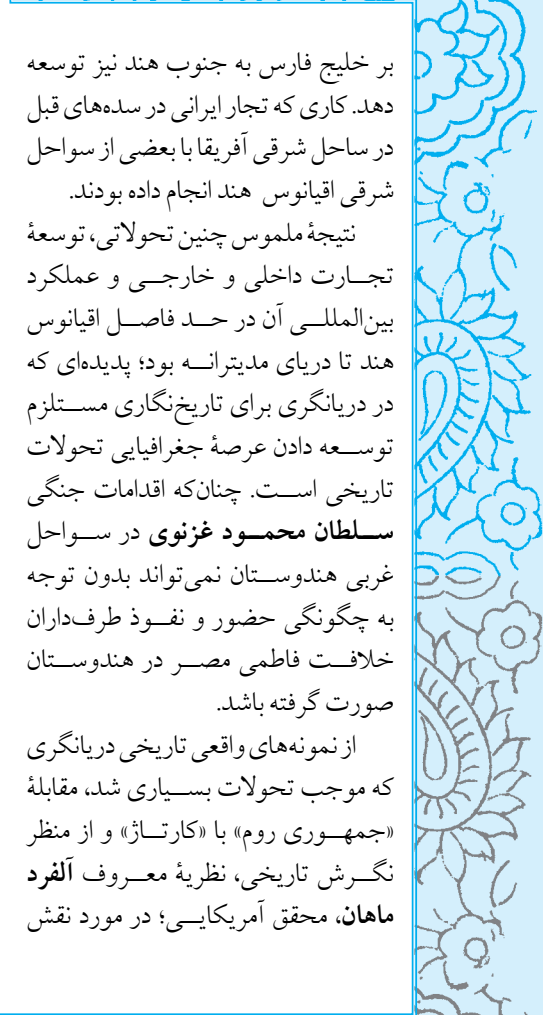
معکوس این امر را (دریانگری) نیز

در تحولات نواحی ساحلی می‌توان

مدنظر قرار داد

«ملوک هرموز»، به‌رغم تسلط دریایی سعی در تحکیم موقعیت ارضی خود در سرزمین اصلی داشته‌اند. این نشان می‌دهد که در قدم اول، حفظ امنیت و در قدم دوم توسعه تجارت مستلزم توأمان ساختن هرگونه ترتیباتی در دریا و خشکی بوده است. ناکامی سلجوقیان را با عاملیت «اتابکان فارس» در قبال ملوک کیش (بنی قیصر) برای اعاده قدرت تجارت دریایی دولت منقرض شده دیلمیان را می‌توان از شواهد این مدعا به‌شمار آورد. در حالی که ملک قاورد، حاکم سلجوقی کرمان، با تصرف عمان به مانند اقدامی که دیلمیان در سال‌ها قبل انجام داده بودند، توفیق بیشتری پیدا کرد. حتی سال‌ها بعد دولت «سلغریان فارس» توانست دامنه نفوذ خود را علاوه





بر خلیج فارس به جنوب هند نیز توسعه دهد. کاری که تجار ایرانی در سده‌های قبل در ساحل شرقی آفریقا با بعضی از سواحل شرقی اقیانوس هند انجام داده بودند. نتیجه ملموس چنین تحولاتی، توسعه تجارت داخلی و خارجی و عملکرد بین‌المللی آن در حد فاصل اقیانوس هند تا دریای مدیترانه بود؛ پدیده‌ای که در دریانگاری برای تاریخ‌نگاری مستلزم توسعه دادن عرصه جغرافیایی تحولات تاریخی است. چنان‌که اقدامات جنگی **سلطان محمود غزنوی** در سواحل غربی هندوستان نمی‌تواند بدون توجه به چگونگی حضور و نفوذ طرفداران خلافت فاطمی مصر در هندوستان صورت گرفته باشد.

از نمونه‌های واقعی تاریخی دریانگاری که موجب تحولات بسیاری شد، مقابله «جمهوری روم» با «کارتاژ» و از منظر نگرش تاریخی، نظریه معروف **آلفرد ماهان**، محقق آمریکایی؛ در مورد نقش

نیروی دریایی در تاریخ و قدرت ملت‌هاست؛ امری که راهبرد ایالات متحده را در سراسر قرن بیستم و طی دو جنگ جهانی برای تسلط بر اقیانوس‌های اطلس و آرام و سرانجام دیگر دریاها شکل داد. مطالعه مبادی تاریخ روم باستان بدون امعان نظر دقیق در تحول قدرت آن دولت از توسعه ارضی در قبال «اتروسک‌ها» در شبه جزیره ایتالیا به تسلط بر مدیترانه بدون حذف دولت کارتاژ ممکن نخواهد بود. چنان‌که قرن‌ها بعد مسلمانان با از دست دادن مدیترانه مجبور به عقب‌نشینی‌های بسیار در قبال استعمارگران اروپایی شدند. شناخت و تحلیل اقدامات ایالات متحده آمریکا در تحول از موقعیت قاره‌ای آن به موقعیتی جهانی نیز مستلزم توجه به تحولات دریایی آن است. چنان‌که اقدامات روس‌ها در سراسر قرن هجدهم و نوزدهم نیز می‌تواند به همین صورت دیده شود.

درک اهمیتی که دریا در موقعیت سرزمینی و قدرت ملی کشورها داشته، با توجه به این نکته آسان‌تر می‌شود که بسیاری از تحولات تاریخ معاصر کشورها حاصل تلاش و تفاعلی آنان برای داشتن ساحل بیشتر، و به عبارت دیگر، قلمرو دریایی گسترده‌تر بوده است. کشمکش‌های ملت‌های «بالکان» که سرانجام آتش جنگ جهانی اول را از آن منطقه شعله‌ور ساخت، به همین دلیل بود. شروع تخاصم آلمان با بریتانیا در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول به‌خاطر نگرانی انگلستان از توسعه نیروی دریایی آلمان دانسته می‌شود. تکاپوی مداوم روس‌ها برای کسب امتیاز از امپراتوری عثمانی در سراسر قرون هجدهم و نوزدهم، به منظور رسیدن به مدیترانه بود. نبردهای سهمناک ژاپن با ایالات متحده در جنگ جهانی دوم برای تسلط بر اقیانوس آرام بود و در پایان قرن بیستم گفته می‌شد: «قرن آینده (بیست‌ویکم) قرن اقیانوس آرام است.» زیرا تمامی ابرقدرت‌ها و نیز اکثریت جمعیت جهان و قدرت‌های بزرگ اقتصادی در آن حضور دارند.

حتی در پایان قرن بیستم و در پی یک دوره فشرده رقابت‌های فضایی، این اظهارنظر مطرح شد که فناوری برتر در سال‌های بعد مربوط به بستر دریا و زیر سطح دریاها خواهد بود. این فناوری‌های راهبردی از استخراج نفت تا شلیک موشک، و از زیر آب تا استحصال مواد غذایی از دریاها را شامل می‌شود.

هرچند این نوشته از تاریخ‌نگاری به آینده‌نگری کشیده شد، اما در مجموع لازم است توجه داشت که علاوه بر ضروریات دنیایی که به سوی آن می‌رویم (آینده)، این رفع نقص در تاریخ‌نگاری ایرانی ضرورت دارد؛ به این معنی که پدیده دریا را در تحلیل و تفسیر مراحل و منازلی که تاریخ ایران پیموده است، باید دقیق‌تر مدنظر قرار داد. دریانگاری در تاریخ‌نگاری، لزوماً آنچه را رخ داده است در بر نمی‌گیرد (ایجاب)، بلکه «آنچه نبود» (سلب) و «موجب چه نتایجی شد» را هم در بر می‌گیرد. برای کشوری که اکنون دریا بخش مهمی از مرزها و تعدادی از مرزها و تعدادی از همسایگانش را در بر می‌گیرد، از مجموع سواحل و جزایر، نزدیک به ۱۰ هزار کیلومتر مرز دریایی دارد، ۹۰ درصد تجارت خارجی آن از طریق دریاست و بخش اعظم درآمد آن از همین راه است و به‌طور کلی دریا در امنیت، اقتصاد و ارتباطات آن نقش بسیار مهمی دارد، نه فقط برای حال و آینده، بلکه لازم است در نگاه به گذشته تاریخی، دریا را بیشتر و دقیق‌تر ببیند و بشناسد. بدون شک در این دیدن و شناختن به همان اندازه که آرمان و آینده‌نگری وجود دارد، واقع‌بینی و بررسی علمی نیز ضروری خواهد بود. با این رویکرد پژوهشی و علمی، مقدمات ورود مباحثی ضروری به کتاب درسی تاریخ و آشنایی با تاریخ دریا برای نسلی که سازندگان فردا به‌شمار می‌آیند، محقق خواهد شد.

